

لحظاتی در سایه‌سار ایمان

(ترجمه کتاب: هَيَّا بِنَا نُؤْمِن سَاعَةً)

www.ketab.ir

تالیف:

د. سعید عبدالعظیم

مترجمان:

د. مهدی مصطفائی

مجید قنبری

سرشناسه	:	عبدالعظیم، سعید، ۱۹۵۲-۴.
عنوان قراردادی	:	هیا بنا نؤمن ساعه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	لحظاتی در سایه‌سار ایمان/تالیف سعید عبدالعظیم؛ مترجمان مهدی مصطفائی، مجید قنبری.
مشخصات نشر	:	سندج: نشر تافگه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۱ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۵-۱۰۹۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ایمان (اسلام) (Faith (Islam
شناسه افزوده	:	مصطفائی، مهدی، ۱۳۶۰، مترجم
شناسه افزوده	:	قنبری، مجید، ۱۳۴۵ اردیبهشت، مترجم
رده بندی کنگره	:	BP۲۲۵
رده بندی دیویی	:	۴۴۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۷۵۷۰۸۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



لحظاتی در سایه‌سار ایمان

مؤلف: سعید عبدالعظیم

ترجمه: مهدی مصطفائی- مجید قنبری

صفحه آرای: صمد احمدی نیاز (۰۹۱۸۶۵۰۴۷۵۶)

ناشر: تافگه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۷۵-۱۰۹۵

مرکز پخش: سندج- پاساژ عزتی- چاپ و پخش تافگه‌ی رووناک

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

تلگرام/ واتساپ: ۰۹۳۰۶۷۵۲۳۱۷

فهرست

مقدمه‌ی مترجمان.....	۵
مقدمه‌ی مولف.....	۱۱
دسته گل‌هایی گران بهاتر از طلا و خوشه‌هایی شیرین تر از عسل.....	۱۸
دسته گل اول: همانا بهترین سخن، کلام خداوند است.....	۱۸
دسته گل دوم: برخی از خطبه‌ها و نصایح و کلام پیامبر ﷺ.....	۲۲
دسته گل سوم: برخی از خطبه‌ها، پندها و سخنان ابوبکر ؓ در سال سیزدهم هجری.....	۳۴
دسته گل چهارم: برخی از سخنرانی‌ها، پندها و سخنان عمر فاروق ؓ.....	۴۰
دسته گل پنجم: عثمان ؓ و پندهای رفتار او.....	۴۶
دسته گل ششم: برخی از خطبه‌ها و پندها و سخنان علی ؓ، خلیفه چهارم از خلفای راشدین.....	۵۰
نتایج مطلوب.....	۶۱
همراه با کاروان ایمان.....	۷۱
به آنان علم و حکمت بخشیده شده است.....	۸۱
مواضعی لبریز از پند.....	۹۰
سرگذشت‌هایی که دنیا را از بوی خوش پُر کرده است.....	۹۸
صحنه‌هایی از روز بدر و اُحُد.....	۱۰۸
محبتی راستین.....	۱۱۲
نمونه‌هایی الگو و کمیاب در میان زنان.....	۱۱۶
از نمونه‌های حرص و علاقه‌ی زنان به طلب علم.....	۱۲۱

- کودکانی که بر راه و روش بزرگان قدم بر می دارند..... ۱۲۴
- مرواریدهای پراکنده..... ۱۲۹
- تأثیر کلام و معنا..... ۱۳۷
- بیا تا لحظاتی همراه هم ایمانمان را تازه گردانیم، چرا که روح ما از جسم هایمان در وحشت است!..... ۱۴۴
- با ما همراه شو تا برای سفر به سوی پروردگار توشه بگیریم..... ۱۵۱
- سخنانی معتبر..... ۱۶۱
- با ما همراه شو، چرا که دل هایمان زنگ زده است..... ۱۶۷
- با ما همراه شو، همانا قیامت نزدیک شده است..... ۱۷۵
- با ما همراه شو، زیرا اگر نفست را به حق مشغول نکنی تو را به باطل سرگرم می کند..... ۱۸۲
- ماجرای سعید بن جبیر و حجاج بن یوسف ثقفی و قتلگاه سعید..... ۱۸۹
- چشمه های حکمت..... ۱۹۵
- با ما همراه شو زیرا زمان آن فرا رسیده است که قلب خشوع کند..... ۲۰۳
- سخنانی تأثیرگذار..... ۲۱۱
- خوشه هایی در دسترس..... ۲۱۹
- بیا با هم لحظه ای ایمان بیاوریم شاید خاتمه ای زندگیمان در همین لحظه باشد..... ۲۲۷
- بیا که باید نصیحت گر و خیر خواه یکدیگر باشیم زیرا مومن آینده ی مؤمن است..... ۲۳۶
- بیا با ما همراه شو قبل از این که قرآن از میان مردم برداشته شود و علم برگرفته شود و حرم خانه خدا ویران گردد..... ۲۴۵
- بیا با هم لحظه ای ایمان بیاوریم، وضعیت کنونی ما این گونه است که گویی بر سفره ی فرومایگان نشستیم..... ۲۵۰
- آیا به بیشتر از آنچه گفته شد نیاز داری؟..... ۲۵۹
- سخن پایانی..... ۲۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجمان

الحمد لله على نعمة الوجود والعقل والهداية والايان، و الصلاة والسلام على مربى الرشد والكمال، الذى كان خُلِقَه القرآن، سيدنا محمد و على آله و من تبعه الى يوم الدين بإحسان.

همانا خداوند متعال هدف از خلقت انسان و جن را عبادت خداوند و پرستش خالصانه او معرفی نموده و می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ (ذاریات/۵۶)، تا در میان این دسته از مخلوقات مکلف و مزین به زینت عقل و اختیار، گروهی خردمندانه به شناخت خود، آفرینش و آفریدگار همت گمارند و مصداق آگاهی خداوند و خبر دادن او از فضل و رحمتی باشند که خداوند به این دسته از مخلوقات خود بخشیده است و از پیش آن را اعلام نموده و بدان آگاه بوده است؛ آنجا که به فرشتگان می فرماید: «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»^۲ (بقره/۲۳)، این فضیلت همان قدرت اختیار، عقل، آگاهی و ایمان است که در بستر خاکی و مادی این مخلوق عجیب خداوند مستقر گشته و ترکیبی اسرارآمیز و شگفت انگیز از معجون ماهیت مادی و معنوی را در او به

^۱ من بریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.

^۲ فرمود: ای آدم! آنان را از نامها (و خواص و اسرار این) پدیده‌ها آگاه کن. هنگامی که آدم (فرمان خدا را) لبیک گفت (و فرشتگان را از (خواص و اسرار اشیاء و) پدیده‌ها آگاه کرد، خداوند فرمود: به شما نگفتم که من غیب (و راز) آسمانها و زمین را می‌دانم و از آنچه شما آشکار می‌کنید یا پنهان می‌داشتید، نیز آگاهم؟

نمایش گذاشته است، که از طریق عقل به فهم و معرفت خداوند و مخلوقات او می پردازد و آگاهانه و از روی اختیار تسلیم فرامین او شده و با ایمانی راسخ و راستین به عبادت پروردگار مشغول می شود و او را عبادت و پرستش و ستایش می کند. آن چنان که در طول تاریخ بشریت پیامبران نمونه های بارز این وصف و حال بوده و رسول خدا ﷺ نیز مصداق واقعی و حیات او نمونه ی ملموس آن است. نیز صحابه ی گرامی پیامبر ﷺ که تحت تربیت ایشان بودند الگوی بارز ایمان و عمل صالح بودند چنان که ایمان به پروردگار آسمان را با زندگی در زمین و زمان پیوند داده بودند و عابدانی عارف و بندگانی پارسا بودند، چنان که خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱ (آل عمران ۱۹۱).

بندگی خداوند و اشتغال به ذکر و یاد و عبادت او به وسیله آنچه خود مشروع فرموده اعم از نماز و روزه و رکعت و انفاق و شب زنده داری، و مزین شدن به صفات پسندیده دوری از صفات ناپسند در مراتب ریز و درشت و حتی در اموری که در دیدگاه بسیاری از مردم به چشم نمی آید، بالاترین و والاترین صفات انسانی بوده که انسانیت انسان را به بهترین گونه شکوفا نموده و از طریق ایجاد ارتباطی مرموز با خالق هستی، روح و روان این مخلوق زمینی را چنان تعالی می بخشد که انسان را از موجودی

۱. کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان افتاده (و در همه اوضاع و احوال خود) یاد می کنند و درباره آفرینش (شگفت انگیز و دلهره انگیز و اسرارآمیز) آسمانها و زمین می اندیشند (و نقشه دربار و ساختار حیرت زای آن، شور و غوغائی در آنان برمی انگیزد، و به زبان حال و قال می گویند): پروردگارا! این (دستگاه شگفت کائنات) را بیهوده و عبث نیافریده ای؛ تو منزّه و پاک (از دست یازیدن به کار باطل)، پس ما را (با توفیق بر انجام کارهای شایسته و بایسته) از عذاب آتش (دوزخ) محفوظ دار.

خاکی و از تشابه ابتدایی او به دیگر حیوانات و مخلوقات به کلی متمایز می نماید.

آری عبادت و اشتغال به اوامر خداوند یگانه وظیفه ی انسان است و دیگر امور اعم از خوردن و نوشیدن و استراحت و اشتغال به زندگی دنیوی و معیشت آن، همگی وظایفی اگرچه لازم و ضروری، اما تابع این وظیفه ی اصلی هستند؛ و چنان که خداوند گروهی از امت را به کسب علوم دینی با عزمی راسخ و توانا امر می فرماید که باید گروهی به دنبال کسب علم و دریافت فهم صحیح از دین رفته و اطرافیان خود را از آن آگاه کنند، چنان که می فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲) به همان صورت باید گروهی نیز موجود باشند که به عبادت خداوند به بهترین روش متمسک شوند و خداوند را در همه حالت شاکر و عابد باشند، نماز واجب و سبقت به پا دارند، روزه ی واجب و سنت را ادا کنند، زکات اموال را پرداخت و از بالاوزشتن اموال خود انفاق کنند و با صفات و اخلاق پسندیده و نیکو هر کدام نمونه هایی عملی از اوامری باشند که خداوند در قرآن کریم به آن امر فرموده است. لذا اگر چه عبادت خداوند وظیفه اصلی جنس انسان و جن است اما برپا داشتن این عبادت به بهترین روش و نیکوترین صورت و همراه با تمام جزئیات

^۱ مؤمنان را نرسد که همگی بیرون بروند (و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند). باید که از هر قوم و قبیله ای، عده ای بروند (و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند (به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و) آنان را (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا (خویشتر را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت) خودداری کنند.

و در تمام جزئیات زندگی، لازم است لافل در میان اقلیتی از افراد این دو
 جنس مخلوقات نمود پیدا کند؛ چنان که در طول تاریخ در میان پیامبران و
 پیروان آنان همواره نمونه های بارزی از این افراد مبارک موجود بوده است.
 پارسایان و امامان دین و اولیا و بزرگان نزد خداوند از جایگاهی ویژه بر
 خوردار بوده و هستند چنان که در احادیث فراوانی به جایگاه آنان نزد
 پروردگار تصریح شده است، چنان که از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است
 که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ،
 وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ
 إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ: كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي
 يُبْصِرُ بِهِ، وَكَفَّهُ الَّتِي يَنْطِشُ بِهَا، وَرَجُلُهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطَيْتُهُ،
 وَلَكِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعَذِّبَهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِي عَنْ نَفْسِ
 الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاقَتهُ»، «پروردگار متعال می فرماید: هر کس
 با اولیا و دوستان من دشمنی کند، من با او اعلام جنگ می نمایم. همانا
 بنده ام با چیزی به من نزدیک نمی شود که نزد من محبوب تر از اعمالی
 باشد که بر او فرض کرده ام. او همچنان با انجام سنت ها به من تقرب می
 جوید تا این که او را دوست بدارم، و چون مورد محبت من قرار گرفت،
 من گوش او می شوم که با آن می شنود، چشم او می شوم که با آن می
 بیند، دست او می شوم که با آن می گیرد و پای او می شوم که با آن راه
 می رود؛ و اگر از من درخواست کند، حتما به او عطا می کنم و اگر پناه
 بخواهد، حتما او را پناه می دهم. و در هیچ کاری که می خواهم انجام
 دهم، به اندازه ی قبض روح مؤمنی که مرگ را نمی پسندد و من هم
 آزارش را نمی پسندم، دچار تردید نمی شوم». در این حدیث مبارک به
 خوبی جایگاه عابدان و اولیای خداوند نزد او مشخص شده است.